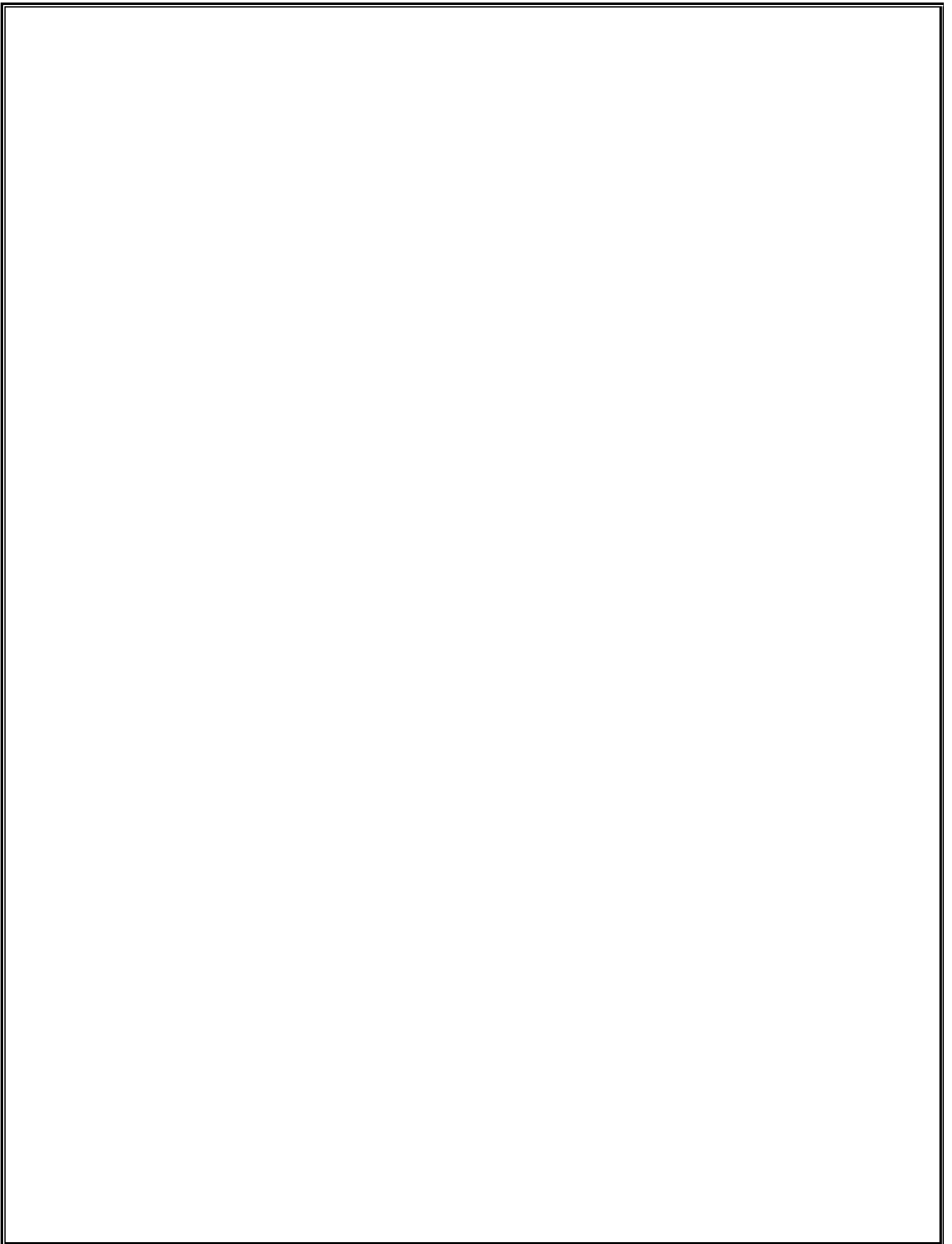


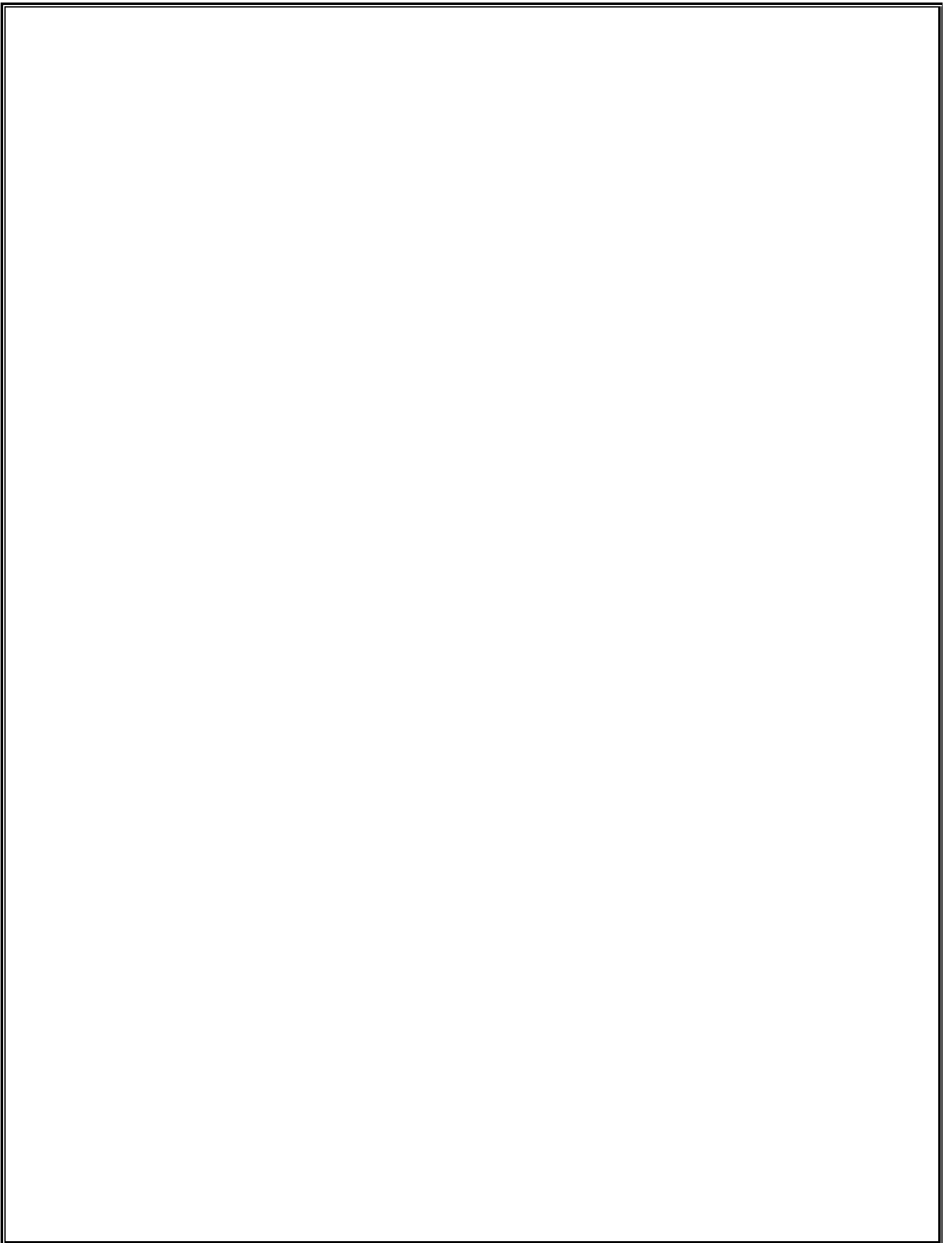
ابن ملجم ؛ عابدترین مردم یا أشقی الأشقیاء؟

نویسنده: علی جلالی

مرکز حقایق اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



چکیده:

ابن ملجم مرادی فردی گمنام که شهرت او برای قتل بهترین خلق روی زمین بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد. دشمنان امیرالمومنین علیه السلام از گذشته تا به امروز از هر کاری برای تنقیص مقام ایشان فروگذار نکردند. از جعل حدیث ، قتل و کشتار تا بالابردن مقام قاتل ایشان؛ اما مشکلی که به آن توجه نشده تناقض‌هایی است که این میان به وجود آمده و دشمن درصدد حل آن برنیامده که ما در این نوشتار به آنها اشاره می‌کنیم و بیان می‌کنیم که ابن ملجم به بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله أشقی الأشیاء می باشد.

کلید واژگان : علی بن ابی طالب علیه‌السلام ، ابن ملجم ، قاتل ، صحابی

مقدمه

دشمنان امیرالمومنین علیه السلام برای اینکه برای قاتل ایشان مقام و منزلتی درست کنند اول به او لقب صحابی رسول خدا صلی الله علیه وآله را دادند تا بتواند جنایت او را با کلامی بی منطق و پشتوانه که او اجتهاد کرده و خطا کرده بیوشانند و او را از این گناه بزرگ تبرئه کنند. بعد او را به عنوان مردی عابد و خدا ترس جلوه داده که اگر خطایی هم کرده اجتهاد کرده است.

برای نمونه با نگاهی به کلام شافعی که همه جا او را به محب اهل بیت معرفی می‌کنند به خباثت باطن او در دفاع از قاتل امیرالمومنین علیه السلام پی می‌بریم.

او می‌نویسد: عبدالرحمن بن ملجم ، علی (علیه السلام) را به خاطر اجتهادش کشت به این دلیل که او وکیل زنی بود که علی (علیه السلام) پدرش را کشته بود پس علی (علیه السلام) را قصاص کرد یعنی نزد خودش اجتهاد کرد و به خطا رفت و اینگونه نیست گناه کسی که اجتهاد می‌کند برای او نوشته شود. و عبد الله بن جعفر دو دست و دو پای ابن ملجم را قطع کرد و ابن ملجم نترسید پس هنگامی که نوبت زبانش شد پس هراسناک شد. از ابن ملجم پرسیدند برای چه موقعی که دست و پایت را بریدیم نترسیدی و برای قطع شدن زبانت ترسیدی؟ گفت: من دوست ندارم ساعتی از روز بگذرد و در آن خدا را یاد نکنم!!!!

أَوَمَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ مُلْجَمٍ الَّذِي قَتَلَ عَلِيًّا كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ فَهُوَ مُسْلِمٌ مِنَ الْخَوَارِجِ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مُرْتَكِبَ الْكَبِيرَةِ فَقَدْ قَالَ الشَّافِعِيُّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - إِنَّهُ قَتَلَهُ مُتَأَوَّلًا بِأَنَّهُ وَكَيْلُ امْرَأَةٍ قَتَلَ عَلِيًّا أَبَاهَا فَأَقْتَصَّ مِنْهُ يَعْنِي مُتَأَوَّلًا عِنْدَ نَفْسِهِ فِيمَا كَانَ مُخْطِئًا فِيهِ وَفِيمَا لَا يَحْتَمِلُ التَّأْوِيلَ وَلَيْسَ كُلُّ مَنْ يَتَأَوَّلُ كَانَ لَهُ أَنْ يَتَأَوَّلَ وَقَدْ قَطَعَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ يَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ فَلَمْ يَجْزَعْ ثُمَّ أَرَادُوا قَطْعَ لِسَانِهِ فَجَزَعَ فَقِيلَ لَهُ لِمَ لَا جَزَعْتَ لِقَطْعِ يَدَيْكَ وَرِجْلَيْكَ وَجَزَعْتَ لِقَطْعِ لِسَانِكَ فَقَالَ إِنِّي لَأَكْرَهُ أَنْ تَمُرَّ سَاعَةٌ مِنْ نَهَارٍ وَلَا أَدُكُرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى

می‌بینید که چطور او را با دروغ‌گویی فراوان سعی در دفاع از ابن ملجم شقی و تبرئه و تطهیر او دارد. جالب اینکه این کلمات را درباره قاتلان خلفای قبلی بکار نمی‌برند و آنها را فاسق، ملعون و محارب می‌نامند. یا ابن تیمیه ابن ملجم را عابدترین مردم معرفی می‌کند.^۲ {

برای روشن شدن مساله و تناقضات موجود در آن کمی بحث را شرح و بسط می‌دهیم.

ابن ملجم صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله

با نگاهی به زندگی صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌بینیم بعض از صحابه مرتکب انواع گناهان بوده و خطاهای فراوانی داشته‌اند و در نتیجه اهل جهنم هستند پس این جایگاه برای همه افرادی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله ملاقات کرده‌اند نمی‌باشد و صرف این مصاحبت باعث نجات نمی‌شود چنانچه محمد بن اسماعیل بخاری در مهم‌ترین کتاب حدیثی اهل سنت یعنی صحیح بخاری به جهنمی بودن جمعی از صحابه اشاره می‌کند.

در کتاب صحیح بخاری و از قول ابوهریره این روایت نبوی نقل شده است که: [در روز قیامت] در حالی که من [در کنار حوض] ایستاده‌ام گروهی که من آنها را می‌شناسم می‌آورند سپس ملکی از ملائکه الهی خطاب به آن گروه می‌گوید به طرف من بیاید! من به ملک می‌گویم: آنها را کجا می‌بری؟ می‌گوید: قسم به خدا آنها را به سوی آتش می‌برم. می‌پرسم: مگر آنها چه کرده‌اند؟ می‌گوید: آنها بعد از تو مُرْتَد شدند [از دین برگشتند] و به گذشته تاریک خود بازگشتند. سپس گروه دیگری را می‌آورند که آنها را نیز می‌شناسم و آنها را نیز به سوی آتش می‌برند و زمانی که از علت دوزخی شدن آنان می‌پرسم آن ملک در جواب می‌گوید: آنها بعد از

^۲ منهاج السنة النبویة، ابن تیمیه، ج ۵ ص ۴۷.

تو مُرتد شدند و به گذشته تاریک خود بازگشتند و من گمان نمی‌کنم که آنها از آتش نجات پیدا کنند مگر مقدار قلیل و اندکی از آنها).^۳

علی بن ابی طالب علیه‌السلام در زمره صحابه

مطلب بعدی این که علی بن ابی طالب علیه‌السلام هم جزء صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد و علاوه بر آن فضایی دارد که شیعه و سنی به آن اعتراف کرده‌اند که باقی صحابه چنین فضایی را نداشته‌اند به همین خاطر عالم بزرگی مثل احمد بن حنبل می‌گوید: آن مقدار روایات که با سند صحیح درباره علی بن ابی طالب {علیه‌السلام} نقل شده درباره فضایل هیچ یک از اصحاب پیامبر خدا {صلی الله علیه و آله} نقل نشده است.^۴

یا ابن جوزی همچنین نقل می‌کند که عبدالله پسر احمد بن حنبل از او درباره ترتیب فضیلت اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال کرد. احمد بن حنبل گفت: ابوبکر، عمر و عثمان {به ترتیب} دارای فضیلت درباره خلافت هستند. عبدالله پرسید: پس جایگاه علی بن ابی طالب علیه‌السلام کجاست؟ گفت: پسر من! علی بن ابی طالب از خانواده‌ای است که هیچ‌کس با آنان مقایسه نمی‌شود.^۵

^۳ بَيْنَا أَنَا قَائِمٌ إِذَا رُمِرْتُ، حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِّنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ، فَقَالَ: هَلُمَّ، فَقُلْتُ: أَيْنَ؟ قَالَ: إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ، قُلْتُ: وَمَا شَأْنُهُمْ؟ قَالَ: إِنَّهُمْ اِزْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى. ثُمَّ إِذَا رُمِرْتُ، حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِّنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ، فَقَالَ: هَلُمَّ، قُلْتُ أَيْنَ؟ قَالَ: إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ، قُلْتُ: مَا شَأْنُهُمْ؟ قَالَ: إِنَّهُمْ اِزْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى، فَلَا أُرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ النَّعَمِ. صحيح البخاری، ۱۲۱/۸

^۴ ما روی فی فضائل أحد من أصحاب رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بالأسانيد الصحاح ما روی عن علي ابن أبي طالب. طبقات الحنابلة، ابن أبي يعلى ۱۲۰/۲

^۵ عبد الله بن أحمد بن حنبل، يقول: حدث أبي بحديث سفينة فقلت: يا أبة، ما تقول في التفضيل؟ قال: في الخلافة أبو بكر وعمر وعثمان. فقلت: فعلى بن أبي طالب؟ قال: يا بني، على بن أبي طالب من أهل بيت لا يقاس بهم أحد.

علی بن ابی طالب علیه السلام خلیفه مسلمین

اگر ما فضایل بی شمار علی بن ابی طالب علیه السلام را هم کنار بگذاریم، به اعتقاد اهل سنت ایشان خلیفه چهارم مسلمین می باشد تا به جایی که احمد بن حنبل منکر این قضیه را از الاغ گمراه تر می داند.^۶ و اهل سنت این چهار خلیفه را بنام خلفای راشدین می نامند. راشد به معنای هدایت شده است و خلفای راشدین از دیدگاه اهل سنت به ترتیب عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان و علی بن ابی طالب {علیه السلام}.^۷

مستند عنوان «خلفای راشدین»، حدیثی منسوب به رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد که با اندکی تفاوت در مجامع حدیثی اهل سنت نقل شده است. در این روایت پیامبر اصحاب را به پیروی از سنت خود و سنت خلفای «راشدین» (هدایت شده) پس از خود فرامی خواند.^۸ محدثان و نویسندگان اهل سنت این عنوان عام را بر خلفای نخست پس از پیامبر اطلاق کرده اند که در دید آنان، به سنت پیامبر اقتدا و آن را حفظ نموده اند.^۹ حالا که بیان کردیم صحابی بودن مصونیت نمی آورد و از آن طرف علی بن ابی طالب خودش از صحابه، بلکه افضل آنهاست و به علاوه خلیفه ای است که طبق روایت مورد قبول اهل سنت، پیامبر او را هدایت شده می داند چطور مستحق کشته شدن می باشد؟؟؟

حکم خروج کننده و قاتل خلیفه چیست؟

روایات فراوانی در صحیح ترین منابع اهل تسنن وجود دارد که بر طبق آنها رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان را از خروج علیه حاکم بر حذر داشته و حتی خروج کننده را کافر و مستحق آتش جهنم خوانده است. برای نمونه طبق نقل صحیح بخاری، اطاعت از حاکم و خلیفه به اندازه ای مهم و ضروری است که هر کس

^۶ وَقَالَ أَحْمَدُ: مَنْ لَمْ يَرْبِعْ بِعَلِيِّ فِي الْخِلَافَةِ فَهُوَ أَضَلُّ مِنْ جِمَارِ أَهْلِ مِنْهَاجِ السَّنَةِ النَّبَوِيَّةِ، ابن تیمیة ۴ / ۴۰۲

^۷ ابن اثیر، النهایة، فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۲، ص ۲۲۵؛ ابن منظور، ذیل راشد

^۸ مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۲۶؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۴۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۶؛

^۹ صحیح ابن خُزیمه، ج ۴، ص ۳۲۵؛ رساله ابن ابی زید، ص ۲۳؛ الانتفاء، ابن عبدالبر، ص ۱۳۶

صبر و شکیبائی را کنار بگذارد و یک وجب از حاکم دور شود، به مرگ جاهلی می‌میرد: ابن عباس می‌گوید: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: کسی که از حاکمش آزرده شده باشد، باید صبر کند. به درستی که هر کس از سلطانش به اندازه یک وجب دور شود، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.^{۱۰}

حال سوال ما این است وقتی کسی از حاکم آزرده بشود و از او دور بشود به چنین نتیجه‌ای دچار می‌شود که انگار مسلمان نبوده و به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است، حکم قاتل این حاکم که به مراتب شدیدتر است چیست؟؟؟

آزار دهنده علی بن ابی طالب علیه‌السلام مستحق لعن خدا

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله با عبارات گوناگون آزار دهنده علی بن ابی طالب علیه‌السلام را آزار دهنده خود می‌داند و می‌فرماید هر که علی (علیه‌السلام) را بیازارد مرا آزرده است.^{۱۱} خداوند هم صراحتاً در قرآن اذیت‌کنندگان پیامبر را مستحق لعن دنیا و آخرت می‌داند و می‌فرماید برایشان عذابی خوارکننده مهیا کردیم.^{۱۲}

پیامبر و قاتل امیرالمومنین علیه‌السلام

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله علاوه بر بیان جایگاه علی بن ابی طالب علیه‌السلام به شقاوت قاتل ایشان هم اشاره کرده و او را شقی‌ترین مردم معرفی کرده است.

^{۱۰} حدثنا مُسَدَّدٌ عن عبد الوَارِثِ عن الجَعْدِ عن ابی رَجَاءٍ عن بن عَبَّاسٍ عن النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) قال: من كَرِهَ من أَمِيرِهِ شَيْئًا فَلْيَصْبِرْ فَانَهُ من خَرَجَ من السُّلْطَانِ شَيْئًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ صحيح بخاری ۹ / ۴۷

^{۱۱} المصنف، ابن ابی شیبیه، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۳۲۱۰۸، ۳ / التاريخ الكبير، بخاری ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۲۴۸۲ / مسند الرویانی، ج ۲، ص ۴۵۰ / المنتخب من ذیل المذیل، طبری ج ۱، ص ۷۸ / معجم الصحابة، عبد الباقي بن قانع، ج ۲، ص ۲۰۱ / صحيح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۶۵، ح ۶۹۲۳ / الاستيعاب في معرفة الاصحاب، ابن عبد البر ج ۳، ص ۱۱۸۳،

^{۱۲} إِنَّ الدِّينَ يُؤَدُّونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا . احزاب / ۵۷

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا شما را خبر دهم از دو مرد که شقی ترین مردمند؟ اصحاب گفتند: بلی ای رسول خدا! پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: آن کس که ناقه ثمود را قربانی کرد و آن کسی که به تو ضربت خواهد زد ای علی^{۱۳}

ابن حجر مکی عالم متعصب اهل سنت و از دشمنان مکتب اهل بیت علیهم السلام در کتابی که بر ضد شیعیان نوشته است ، روات این حدیث را ثقه می داند.

او در این کتاب علاوه بر این روایت به روایتی از عایشه از قول پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کند که پیامبر فرمود : پدرم فدای تنهای شهید. که به غربت و مظلومیت و شهادت امیرالمومنین علیه السلام تصریح می کند.^{۱۴}

با کمی دقت می توان بغضی که نسبت به امیرالمومنین علیه السلام در بین دشمنان ایشان بوده را به خوبی حس کرد که تمام همت خود را قرار دادند تا چهره ایشان را در جامعه اسلامی تخریب کنند ولی با کمی کنکاش در تاریخ می بینیم که آب در هاون کوبیدند و سعی شان راه به جایی نمی برد.

^{۱۳} مسند احمد حنبل / ج ۴ ، ص ۲۶۳ و السیره النبویه ابن هشام : ج ۲ ص ۴۳۴ و سنن کبری نسائی : ج ۵ ص ۱۵۳ و مسند ابویعلی : ج ۱ ص ۳۷۷

و الاستیعاب : ج ۳ ص ۱۱۲۵ و البدایه و النهایه : ج ۶ ص ۲۴۴

^{۱۴} الحدیث الثانی وَالْعَشْرُونَ أَخْرَجَ أَحْمَدُ وَالْحَاكِمُ بِسَنَدٍ صَحِيحٍ عَنْ عِمَارِ بْنِ يَاسِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَعَلِّي (أَشَقَى النَّاسِ رَجُلَانِ أَحْيَمِرِ ثَمُودَ الَّذِي عَقَرَ النَّاقَةَ وَالَّذِي يَضْرِبُكَ يَا عَلِيُّ عَلَى هَذِهِ يَعْنِي قَرْنَهُ حَتَّى يَبْلُ مِنْهُ هَذِهِ يَعْنِي لِحْيَتَهُ) وَأَخْرَجَ أَبُو يَعْلَى عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ رَأَيْتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ التَّمَّزَ عَلِيًّا وَقَبْلَهُ وَهُوَ يَقُولُ (بِأَبِي الْوَحِيدِ الشَّهِيدِ) وَرَوَى الطَّبْرَانِيُّ وَأَبُو يَعْلَى بِسَنَدٍ رِجَالَهُ ثِقَاتٌ إِلَّا وَاحِدًا مِنْهُمْ فَإِنَّهُ مَوْثِقٌ أَيْضًا أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ يَوْمًا (مَنْ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ) قَالَ الَّذِي عَقَرَ النَّاقَةَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ صَدَقْتَ قَالَ (فَمَنْ أَشَقَى الْآخِرِينَ) قَالَ لَا عِلْمَ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ (الَّذِي يَضْرِبُكَ عَلَى هَذِهِ) وَأَشَارَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى يَافُوخِهِ

منابع و مأخذ

- ابن اثير، مبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الاثر، چاپ محمود محمد طناحى و طاهر احمد زاوى، بيروت ١٣٨٣/١٩٦٣، چاپ افست قم ١٣٦٤ ش.
- ابن جوزى، جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن على بن محمد الجوزى ، مناقب الإمام أحمد ، المحقق: د. عبد الله بن عبد المحسن التركي، دار هجر ، الطبعة: الثانية، ١٤٠٩ ق
- ابن أبى يعلى ، أبو الحسين محمد بن محمد ، طبقات الحنابلة ، المحقق: محمد حامد الفقى ، دار المعرفة - بيروت
- ابن تيميه ، تقى الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبى القاسم بن محمد ابن تيمية الحرانى الحنبلى الدمشقى ، منهاج السنة النبوية فى نقض كلام الشيعة القدرية ، المحقق: محمد رشاد سالم، الناشر: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية ، الطبعة: الأولى، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م
- ابن حجر هيثمى، أحمد بن محمد بن على بن حجر الهيثمى السعدى الأنصارى ، الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، المحقق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، الناشر: مؤسسة الرسالة - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ - ١٩٩٧م
- ابن ابى شيبه الكوفى، ابوبكر عبدالله بن محمد ، المصنف فى الاحاديث والآثار، تحقيق:كمال يوسف الحوت، ناشر:مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة:الاولى، ١٤٠٩ ق
- بخارى جعفى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل ، التاريخ الكبير، تحقيق:السيدهاشم الندوى، ناشر:دار الفكر .
- رويانى، ابو بكر محمد بن هارون ، مسند الرويانى، تحقيق:ايمن على ابو يمانى، ناشر:مؤسسة قرطبة - القاهرة، الطبعة:الاولى، ١٤١٦ق

- طبري، ابو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب ، المنتخب من ذيل المذيل، طبق برنامہ الجامع الكبير

- ابوالحسين عبدالباقي بن قانع ، معجم الصحابة ، تحقيق: صلاح بن سالم المصراطي، ناشر: مكتبة الغرباء الاثرية - المدينة المنورة، الطبعة: الاولى، ١٤١٨ ق

- تميمي بستي، محمد بن حبان بن احمد ابوحاتم ، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، تحقيق: شعيب الارنؤوط، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤١٤ هـ ١٩٩٣ م

- ابن عبد البر النمري القرطبي المالكي، ابو عمر يوسف بن عبدالله بن عبد البر ، الاستيعاب في معرفة الاصحاب ، تحقيق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة: الاولى، ١٤١٢ ق

- بخاري، محمد بن اسماعيل، صحيح بخاري، نشر دار طوق النجاة، بيروت، ١٤٢٢ هـ ق،

- ابن حنبل، احمد، مسند الامام احمد بن حنبل، بيروت: دار صادر، بي تا.

- ابن ماجه، سنن ابن ماجه، چاپ محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره ١٣٧٣ / ١٩٨٨، چاپ افست، بيروت بي تا.

- دارمي، سنن الدارمي، چاپ محمد احمد دهقان، دمشق، ١٣٤٩.

- ابن خزيمة، صحيح ابن خزيمة، چاپ محمد مصطفى اعظمي، بيروت، ١٤١٢ / ١٩٩٢.

- ابن ابى زيد، رساله ابن ابى زيد القيرواني، چاپ صالح عبدالسميع آبي ازهرى، بيروت، بي تا.

- ابن عبد البر، الانتفاء في فضائل الائمة الثلاثة الفقهاء: مالك بن انس الاصبحي مدني و محمد بن ادريس الشافعي المطلبي و ابى حنيفه النعمان بن ثابت كوفي، چاپ عبدالفتاح ابو غده، حلب ١٤١٧ / ١٩٩٧.

- ابويعلی، احمد بن علی ، مسند ابويعلی ، محقق: سليم اسد، ناشر دار المأمون للتراث ، لبنان - بيروت ،

١٩٨٩ م ، ١٤١٠ ق

- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية ، خليل شحاده، ناشر: دار الفكر ، بيروت - لبنان

- ابن هشام، ابو محمد عبد الملك بن هشام ، السيره النبويه، تصحيح مصطفى السقا، ابراهيم الأبيارى و عبد الحفيظ شلبي، دارالوفاق، بيروت، ١٣٧٥ق.

- سنن كبرى نسائي

- فتاوى الرملى نويسنده : الرملى، شهاب الدين